

## کابل بانک چه گونه غارت شد؟

تحلیل و گذارش از دکستر فلکینز - روزنامه نیویارکر

در بهار سال 2009 میلادی، زمانیکه مبارزات انتخاباتی برای انتخاب مجدد حامد کرزی بشدت جریان داشت، گروهی از بازرگانان برجسته افغان با نامزد ریاست جمهوری در ارگ برای صبحانه دیداری داشتند. در میان آنها خلیل فروزی، رئیس اجرایی (اسبق) کابل بانک - یک نهاد مالی بدون قید و شرطی که متعلق به برخی از پررنگ ترین و سیاسی ترین چهره های عرصه در کشور، چون برادران رئیس جمهور کرزی و معاون رئیس جمهور مارشال فهیم - نیز حضور داشت.

### فروزی کیست؟

بانکار تازه وارد در عرصه بانکداری که تاریخچه زندگانی وی درست مانند یک فیلم ماجراجویی به نظر می رسد. در اواخر دهه نود، برای فرمانده فقید احمد شاه مسعود کار میکرد و زمردهای استخراجی از صخره های دره پنجشیر را برای فرمانده بفروش میرساند و با عاید حاصله آن بهمکاری یک شرکت گمنام روسی پول افغانی چاپ میکرد و بدین ترتیب به جبهه مقاومت یاری میرساند. اما به گزارشی یکی از یاران مسعود، زمانی که به فرمانده اطلاع داده شد، فروزی در چاپ پول برای طالبان نیز کمک می کند، بر وی خشمگین شد و امر کرد که "دستانت را ببندید، پاهایت را بسته کنید و او را نزد من بیاورید". ولی قبل از دستگیری وی، فرمانده مسعود بتاریخ نهم سپتامبر سال 2001 میلادی توسط دهشت افغانان شبکه القاعده به شهادت رسید.

فروزی این همه را افسانه و دسایس بر علیه خویش خواند و در مدت زمان خیلی کمی تبدیل به یکی از مهم و با ارزشترین رئیسان عامل یکی از نهادهای مالی در کابل گردید.

"ما می خواهیم به مبارزات انتخاباتی جناب کمک کنیم."

فروزی خطاب به رئیس جمهور کرزی در همین صبحانه گفت:

"چه کاری می توانیم انجام بدهیم؟"

رئیس جمهور فروزی را به سوی وزیر دارایی و خزانه دار مبارزات انتخاباتی خود، حضرت عمر زاخیلوال هدایت کرد. زاخیلوال بعداً افساء کرد، دو روز بعد از آن دو مردی که خود را کارمندان کابل بانک معرفی می کردند، با یک کیف حاوی دوصد هزار دالر نقد نزد من آمدند. او اضافه کرد:

"من کیف را گرفتم و آن را مستقیماً به همکاران خود در ستاد انتخاباتی آقای کرزی سپردم."

او هیچ سندی از همچو همکاری ها را حفظ نکرد، و هیچ سند آن را به کمیسیون مستقل انتخابات نیز ارائه نکردند. زاخیلوال همچنان با تردید همه خلافکاری ها افزود:

"شما هرگز یک سندی از همچو هدیه های ولو با ارزش حتی یک دالر را نیز نخواهید یافت". حالاً

مقامات آمریکایی می گویند که آقای زاخیلوال نیز مانند سایر بازرگانان افغانی در مجموع، ده ها میلیون دالر را منحصیث هدیه و رشوه پذیرفته است. برخی از منابع می گویند که آن ها تا حدود یک صد

میلیون دالر را از رؤسای اجرایی کابل بانک پذیرفته اند. رسوایی ها بدین مقیاس شاید در نه سال از زمان به قدرت رسیدن آقای کرزی به اوج خود رسیده است. با بررسی های اسناد متعدد، محققین در سفارت آمریکا در کابل ده ها مورد را نشان داده اند که در آن مسئولین کابل بانک ممکن است مقامات افغانی را رشوه داده باشند. از جمله مزایده موفقانه اجراء و پرداخت معاشات ماهانه کارکنان دولت که هر ماه حداقل هفتاد و پنج میلیون دالر که کابل بانک برنده آن شد. دسترسی بدین معاشات فرصتی برای کسب میلیون ها دالر مفاد را برای بانک آماده می سازد. مقام های آمریکایی می گویند که این گونه سخاوتمندی های کابل بانک به اعضای پارلمان و تقریباً به هر کسی که در مورد خریداری های هنگفت، قرضه های بزرگ و چور و چپاول رؤسای بانک سکوت اختیار نمایند، نیز رسیده است. علاوه بر این، برخی از مقامات کنونی و پیشین افغانستان می گویند، کابل بانک حیثیت بازوی غیررسمی دولت کرزی برای خریدن آرای نمایندگان مجلس در جهت تصاحب آراء ایشان در امور مقننه کشور گردیده بود. رسیدگی به امور بحران در کابل بانک توسط یک گروه قابل توجه اما کمتر شناخته شده آمریکایی در سفارت آمریکا مقیم کابل بنام واحد/سلول تهدیدات مالی افغان (Afghan Threat Finance Cell) انجام می شد. یافته های آنان کاملاً سری نگهداشته می شوند که تقریباً هیچ یک از جنرال ها، دیپلمات ها و یا پژوهشگران حاضر نیستند در مورد آن ها به طور آشکارا صحبت نمایند.

این واحد که متشکل از ماموران پولیس فدرال (اف بی آی)، مدیریت اجرایی مواد مخدر، وزارت های خزانه داری و مالیه، و دفاع کشور آمریکا می باشند، شواهد گسترده ای از رشوه ستانی ها را جمع آوری نموده است. یک مقام آمریکایی در زمینه می گوید: "اگر اینجا امریکا میبود، در حال حاضر بیشتر از پنجاه نفر از مقامات بلند رتبه بازداشت شده بودند." وزیر امور خارجه آمریکا هیلاری کلینتن در مورد این تحقیقات در ماه جنوری سال روان (2011) اطلاع داده شده بود، اما بعضی از مردم از این هراس داشتند که دولت اوپاما در رابطه با هر آنچه که کشف شده است، هیچ کاری نمی کند. پس از ماه ها مشاجره با حامد کرزی، دولت آمریکا به نظر می رسید فلج شده. یکی از افسران ارشد ناتو به من گفت:

"ما باید با این افراد کار کنیم، ولو هر رنگی باشند." سلول تهدیدات مالی نیز تقریباً به تنهایی خود انتهای آنچه که جنگ به رهبری آمریکا در افغانستان با این ارتباطات طالبان با قاچاقچیان مواد مخدر و مقامات افغان به خطر بیافتد، را نشاندهی نموده بودند. این گروه در سال 2008 برای از بین بردن ارتباطات شورشیان طالبان و ردیابی و از بین بردن منابع مالی آنها که بگمان اغلب بیشتر آن از تجارت مواد مخدر به دست میاید، ایجاد شده بود. در عوض، آنها دریافتند که رابطه های طالبان و قاچاقچیان مواد مخدر اغلب از طریق دولتمردان افغانستان اجرا می شود. آن ها همچنین پرده از روی یکی از حقایق تیره جنگ نیز برداشتند که، ارتش عظیمی از افراد مسلح شرکت های خصوصی که برای محافظت از کاروان های آمریکایی توظیف می شوند، غالباً از همین پول آمریکایی برای رشوه دادن به جنگجویان طالبان برای دست نگهداری از تعرض بدان ها استفاده می کنند. مقامات در کابل و واشنگتن تصور می کنند که این رشوه ها یکی از منابع اصلی درآمد طالبان است. بدین اساس هویدا است که آمریکائیان هر دو طرف جنگ را تمویل می کنند.

- \* - \* - \* - در تابستان سال گذشته، سلول تهدیدات مالی و همتای افغانی آن - یک گروه تحقیقاتی به نام واحد تحقیقات حساس - تحقیقات خود را در رابطه با کابل بانک، که قبلاً یکی از موفق ترین نهادهای مالی در افغانستان بعد از سالهای 2001 بود، را آغاز کردند. محققان آمریکایی و افغان به سرعت متوجه شدند که بانک بیش از حد گسترده شده و یک فاجعه بزرگی متوجه آن می باشد. بانک تحت رهبری دو تن از رؤسای آن آقایان فروزی و فرنود (یک بازیکن پوکر به سطح جهانی) با در نظر داشت سقوط بازار املاک در دبی، در حال سقوط می باشد. فرنود ده ها میلیون دالر پول سپرده گذاران را برای خریداری دوازده واحد ویلای لوکس در یکی از شاخه های

مجمع الجزایر ویژه و مصنوعی درخت خرما شکل الجمیرا به مصرف رسانده است. با درخواست از سوی مقامات آمریکایی، بانک مرکزی افغانستان که ضامن مسئولیت و تنظیم مالی بانکهای کشور می باشد، وارد اقدام شد و آقایان خلیل الله فروزی و شیرخان فرنود را از سمت های شان کنار زد. به گفته مقامات آمریکایی زیربسط در تحقیقات، شواهد به نظر می رساندند که مقامات بلند رتبه افغان و تجار در بالاترین سطوح دولت نیز متهم این قضایا می باشند. بسیاری از آن ها، مانند زاخیلوال، که اکثراً مشاوران مورد اعتماد رئیس جمهور کرزی می باشند، مسئولین نظارت بر سیستم مالی افغانستان نیز می باشند. افراد دیگری نیز از سوی مقامات آمریکایی به عنوان برخی از مهم ترین دست اندرکاران دولت کرزی ذکر گردیده اند؛ مانند یونس قانونی، رئیس پیشین پارلمان افغانستان، فاروق وردک وزیر معارف و حنیف اتمر وزیر پیشین امور داخله کشور. این دقیقاً مشخص نیست که چه مقدار پول را هر یک از این مقامات ستانده اند، و یا آنچه که تصور می شود، انجام داده اند، تا آن مبلغ را دریافت نمایند. اتمر، وردک و قانونی با رد این اتهامات می گویند که آن ها هیچ مبلغ پولی را از این بانک دریافت نکرده اند. قانونی گفت که او مقدار پولی را از یکی از روسای کابل بانک در قالب کمک های مالی برای مبارزات انتخابات پارلمانی خود پذیرفته است، ولی بیاد نمی آورد چه مقدار پولی. اتمر همه این اتهامات را رد می کند و آن را ناشی از اختلافات درون بانک می نگارد و می گوید: "من نه قرض گرفته ام و نه هیچ نوع وجوهی را از کابل بانک ولو به هر نام و منظوری دریافت کرده ام". بعضی مقامات افغانی می گویند که رشوه ستانی ها و نفوذ نامشخص به حدی رسیده که برخی از این مقامات بلند رتبه افغانی در دبی، لاس وگاس دومی برای شیخهای عرب خانه های دومی خود را بنا نهاده اند. محمود کرزی، برادر رئیس جمهور، در یکی از همین ویلاهای مجلل شیرخان فرنود زندگی می کند. و همچنان احمد ضیا مسعود، معاون پیشین رییس جمهور نیز در ویلا دیگری مسکن گزین می باشد. به گفته دکستر فلکینز، اولین خبرنگار پژوهشگر و افشاء گر قضایای کابل بانک در روزنامه نیویارکر، در تابستان سال گذشته زمانی که من از خانه ضیاء مسعود در دبی دیدن نمودم، یک موتر شیک رولس رایس آبی رنگ در مقابل آن پارک شده بود، ولی هیچ کسی در خانه نبود. یکی از مقامات افغانی که از این تحقیقات اطلاع داشت گفت: "دختر، پول، موتر... همه ضعف های انسانی". حداقل بعضی از پرداخت های کابل بانک به مقامات بلند پایه محلی این را وانمود می سازد که این پول ها اکثراً برای جلوگیری از بررسی های دقیق از شیوه فعالیت های بانک پرداخته شده اند. یکی از رهبران سیاسی افغانستان که زمانی عضو ارشد دولت کرزی بود، می گوید که فروزی با غرور به من گفت:

"بسیاری از دولتمردان دولت آقای کرزی مزدبگیر کابل بانک می باشند. هیچ یک از وزراء جرات صحبت بر علیه ما را ندارند. آن ها از ما هستند." یکی از مقامات ارشد ناتو این پرداخت ها را "رشوه ستانی محض" مینامد. محققان می گویند که آنها در حال حاضر تلاش دارند تا میزان ارتکابات غیر قانونی نامزدان انتخابات مجلس نمایندگان و همچنان انتخابات ریاست جمهوری را بر اساس قوانین افغانستان مشخص سازند، که نامزدان مشارکت های مبارزات انتخاباتی خود را باید گزارش بدهند، که از رشوه دهی و رشوه ستانی جلوگیری می شود. اما هیچ راهی برای دانستن این که هر فرد چقدر پرداخت نموده، وجود ندارد چون مقامات کمیسیون انتخابات تاهنوز هیچ پرونده را درین رابطه منتشر ننموده اند. با توجه به این که کرزی هیچ یک از مقامات ارشد دولت خود را نشاندهی ننموده است، باز هم مقامات رسمی آمریکا متردد اند که او بدون فشار آشکار آمریکا درین رابطه عمل خواهد کرد. برخی از مظنونین به تخلف ممکن است تحت پیگرد قوانین غربی نیز قرار گیرند، بالخصوص آن هایی که تابعیت دوگانه دارند. پول هایی که ظاهراً توسط کابل بانک به مقامات افغان بخشیده شده اند، بخشی از نهصد میلیون دالر را تشکیل می دهد که یا از دست رفته اند و یا هم از بانک مفقود می باشند. این مقدار فراتر از آن مبلغ سیصد میلیون دالریست که بعد از تصاحب بانک توسط بانک مرکزی کشور منحبث زیان های بانک برآورد شده اند.

محققان می گویند که این نهصد میلیون دالر شامل قرضه های ناموفق و وام های هنگفت به شرکت های ظاهراً دروغین می باشد. رئیس (مستعفی) بانک مرکزی چندی پیش گفته بود که آن ها موفق به برآورد

مقداری از این قرضه ها شده اند، اما یکی از مقامات غربی می گوید که پول زیادی گم شده است: "آنها نمی توانند آن را پیدا کنند". مشکلات در کابل بانک حکایتی از تأثیرات نافرجام هجوم میلیارد ها دالر از آغاز جنگ کنونی در سال 2001 بر این کشور فقیر و ناتوان میباشد. اگر چه پول های غربی نقش بزرگی را برای ایجاد یک اقتصاد مدرن در کشور را ایفا نموده است ولی بیشتر آن به دست یک اقلیت کوچکی از بازرگانان و سیاستمداران که اغلب به طور غیرمشروع بهم پیوسته اند، افتیده است. زیان نهصد ملیون دالر و یا بیشتر از آن در یک بانک، یک درصد قابل توجهی از تولید ناخالص داخلی افغانستان (در حدود دوازده ملیارد دالر سالانه) را نشان میدهد. سیاست و کسب و کار در کابل به طور فزاینده ای توسط شبکه های مافیایی و کاربران آن ها در داخل دولت افغانستان کنترل می شود. اکثریت قروض کابل بانک به نظر می رسد که به تعدادی از سهامداران این بانک پرداخته شده اند. یکی از آن ها محمود کرزی برادر رییس جمهور است. او بیشتر عمر جوانی خود را در ایالات متحده سپری نموده است. وی تا بازگشتش به کابل پس از سقوط طالبان در سال 2001 میلادی مالک چندین رستوران در آمریکا بود. او گذرنامه (پاسپورت) آمریکایی دارد و در حال حاضر تحت پیگرد دادستان فدرال در ایالات متحده به دلیل عدم گزارش عایداتش نیز میباشد.

فرد دیگر از سهامداران و مقروضین این بانک حصین فهیم، برادر محمد قسیم فهیم یکی از دو معاونین رئیس جمهور کرزی می باشد. برای دولت او باما، پذیرفتن این گونه ارتباطات رسمی که پیامد آن شبیه رسوایی کابل بانک باشد، مشکل ولی نادیده گیری آن تقریباً غیرممکن می باشد. یکی از افسران ارشد ناتو گفت:

"من واقعا آرزو می کنم که چیز مثبتی از آن بیرون آید" او می افزاید: "شاید فرار ازین خیلی ناممکن باشد." اختلاس و فساد تقریباً در هر معامله در بین دولت افغانستان و شهروندان آن رخنه نموده است. از افسران پولیس که برای اجازه دادن به عبور و مرور موترها از پوسته های بازرسی از موتررانان پول تقاضا می کنند، تا به اعضای بلندرتبه دولت و پارلمان که مدتی قبل برای همه آنان در ساحه تازه تاسیس شده و شیک شیرپور زمین داده شده، همه آغشته به فساد و اختلاس می باشند. ساحه ای که زمانی کاملاً خالی و بدون ساکنین بود ولی در حال حاضر محلیست با ساختمان های بزرگ، عجیب و غریب و مجلل، که در آنجا خانه ها به ارزش صدها هزار دالر نیز به فروش می رسند. رشوه رشوه را بیار می آورد؛ اگر کسی می خواهد یک آمر ساحوی پلیس شود، باید یک مقدار پول قابل توجهی در حدود پنجاه هزار دالر، را به رئیس خود که معمولاً آمر ولایتی می باشد، باید پرداخت کند. سپس او بعد از احراز پست مورد نظرش این پول را از مردم عامه افغان می ستاند. بدین ترتیب، دولتداران افغانستان به اندازه پی که مردم را به غارت میبرند، خدمت خیلی ناچیزی برایشان انجام می دهند. سال گذشته، سازمان شفافیت بین المللی افغانستان را به عنوان یکصد و هفتاد و ششمین کشور فاسد جهان از میان یک صد و هفتاد و هشت کشور رتبه بندی نمود که تنها از کشورهای عقب افتیده مانند صومالی و میانمار پیشی گرفته بود. یک مقام رسمی آمریکایی درین زمینه چنین تبصره میکند: "افغانستان؛ کشور عمیقاً و کاملاً کشور جنایتکاران." در کابل بانک، به اساس گزارش یک مقام غربی که با این تحقیقات آشنائی داشت، پرونده ها نشان می دهند که روح الله، مدیر ساحوی یک شرکت خصوصی امنیتی و همکار احمد ولی کرزی، برادر ناتنی رئیس جمهور کرزی، پول های را به حساباتی انتقال میداد که بعضی از تحقیق کنندگان غربی معتقد بودند که این حسابات توسط طالبان اداره می شوند. روح الله ادعا می کند او هرگز هیچ پولی را به فرماندهان طالبان نپرداخته و می گوید که وی کسب و کار امنیتی خصوصی را در ماه اگست رها کرده است. احمد ولی کرزی، که ریاست شورای ولایتی در قندهار را نیز برعهده دارد، ( هنگام نشر این گزارش احمدولی کرزی کشته نشده بود) از دیرباز مظنون برای دریافت سودهای هنگفتی از تجارت مواد مخدر هست. او صبورانه همچو دعوی ها و ارتباط خود را در زمینه رد کرده است. یک محقق آمریکایی سال گذشته گفته بود: "مردم فکر می کنند که طالبان در برابر دولت افغانستان قرار دارند، اما من به شما میگویم، افغان ها بدین نظر نیستند. افغان ها در رابطه با این جنگ دیدگاه متفاوتتری نسبت به دیدگاه ما دارند." با وجود چندین ماه زور گویی های عمومی

توسط دولت اوپاما، فساد به نظر می رسد بدتر شده است. یکی از دلایل آن خود جنگ است. فرصت رئیس جمهور اوپاما برای آغاز خروج نیروهای آمریکایی در اواخر سال جاری، برای بسیاری از افغان ها این را تأیید کرد که زمان در حال فرا رسیدن است. یک تاجر افغان چنین میگوید:

"در حال حاضر، یگانه کار درین کشور تجاوز و غارتگری تا حد توان می باشد. زیرا هیچ باور به آینده وجود ندارد."

وی اضافه کرد،

"در حین صرف شام با تعدادی از مقامات افغان به آن ها گفتم، به طالبان ببینید. آن ها بر هدف خود ایمان دارند، و این یقین آن ها را نگه داشته است. شما هیچ انگیزه ای ندارید. شما بر هیچ چیزی باور ندارید. و این مقامات بدون هیچ پاسخی در چوکی های خود نشسته به من مینگریستند و به حرف های من سرهای خود را به عنوان تأیید تکان می دادند." یک دیپلمات غربی میگوید، رشوه دهی پیمانکاران امنیتی خصوصی به فرماندهان طالبان، همراه با روش های دیگر مانند طرح کمک به پایگاه های نظامی که طالبان از آن طریق پول های غربی را بدست می آورند، خود به اندازه کافی برای تامین مالی یک شورش بزرگ کفایت می کند. " برای حفظ یک سرباز در نبرد برای یک سال، حدود یکصد و چهل هزار دالر هزینه بر میدارد، ولی یک جنگجوی طالب با مقدار کمی از آن پول می تواند تا مدت ها استقامت نشان دهد." او اضافه کرد. "اگر فقط ده درصد از آن پول به طالبان از طریق رشوه یا هر طریق دیگری برسد، این مقدار برای نگه داشتن پنج جنگجوی طالب در میدان نبرد کفایت میکند." ارتش ایالات متحده، بر اساس شواهد وارده توسط خبرنگاران و محققان در کنگره، به تازگی معامله با یک شرکت خصوصی امنیتی و چند تن از وابستگان خود را، حداقل در برخی موارد به دلیل سوء ظن از پیوندها به شورشیان ممنوع قرار داده است. فرماندهان ایالات متحده اکثراً بدین باورند که فساد افغان ها و افغانستان را به آغوش طالبان بر می گرداند. ماه ها، مقامات در دولت اوپاما بر کرزی فشار وارد می کردند که خود را از شر بعضی از فساد پیشه گان در اطرافش رهایی بخشد یا با آن ها برخورد قانونی نماید. اما اکنون به نظر می رسد، آمریکایی ها این امیدواری را که کرزی اقداماتی بر علیه این مقامات فاسد انجام دهد، را از دست داده اند.

ریچارد هالبروک، نماینده ویژه اوپاما چندی قبل از وفاتش در ماه دسامبر سال گذشته گفته بود که "ما مکالمات طولانی در این باره با رئیس جمهور کرزی داشته ایم اما آن ها کاملاً بی فایده بودند." بر علاوه، به محققان آمریکایی دستور داده شده که با خبرنگاران صحبت نکنند. تقریباً بدون استثنا، دیپلمات های بالا رتبه آمریکایی در رابطه با کابلانک، رسیدگی به محمود کرزی، و یا هرگونه تحقیقات دیگری در مورد مقامات ارشد افغانستان بحث نمی کنند:

"من دستبند زده شده ام،"

زمانی که از یکی از مقامات سفارت آمریکا درین رابطه پرسیده شد، وی با دراز کردن دستان خود و گره کردن مچ های دستانش گفت:

"من می خواهم به شما کمک کنم، اما نمی توانم."

جای تعجب نیست که افغان ها در ضمن تنفر از بی قانونی های فراگیر، خموشی را نیز آموخته اند. زمانی که میخوانند حرف بزنند، آن را تقریباً همیشه در نهان به میدان میکشند. امروز، هر آنچه که آمریکایی ها و غربی ها کمتر بشکل علنی در مورد فساد اظهار میدارند، معمولاً مسائل نسبتاً کم نگرانی تری هستند. آن ها بر شواهدی تمرکز دارند که در محوطه های محلی آشکار می شوند، که این باور را به میان می کشد که، افغان های عادی تحت بیشترین تاثیر قرار می گیرند. به طور معمول، چنین نشانیهای فساد مقامات اطراف کرزی را در بر نمی گیرد. یک مقام ارشد سابق در دولت آقای کرزی صحبت های اخیر با کارل آیکن بیری، سفیر ایالات متحده را به یاد می آورد. آیکنبری به عنوان یکی از دیده بازترین منتقدان دولت ناکارآمد کرزی به شمار می رود. مقام ارشد سابق درین زمینه مبهوت بود که حتی آیکنبری نیز به نظر می رسد کار مبارزه با فساد را رها کرده است.

"او از من می پرسید، آیا واقعا افغان ها در مورد فساد توجه دارند، آیا واقعا آن ها توجه دارند؟" مقام ارشد سابق اضافه کرد. "زمانی که من این پرسش را از سفیر شنیدم، برایم نهایتاً نفرت انگیز بود." درین روزها، فاضل احمد فقیریار در خانه اش در کابل نشسته است و درب خانه اش را بروی هیچ کس باز نمی کند. فقیریار، یک مرد هفتاد و دو ساله چاق و چله و پر انرژی تا ماه اگست سال گذشته معاون دادستان کل کشور بود. او میگوید، وی بنابر تاکیدش بر پیگیری تحقیقات مقامات اطراف کرزی از وظیفه اش اخراج شد. "قانون در این کشور فقط برای فقراست" او درست بعد از اخراجش گفت. مقام های افغان بدین باور بودند که وی بزودی بازنشسته خواهد شد. رئیس اسبق وی و دادستان کل فعلی کشور محمد اسحاق الکو، امر تحقیقات جنایی را بر علیه فقیریار صادر کرده است که ظاهراً شامل اتهاماتیست که او بعضی از وزرای کرزی را بنابر فعالیت های فاسد ایشان متهم ساخته و مدعی پیگرد قانونی آنها بود.

همکاران اسبق فقیریار می گویند تحقیقات بر علیه وی تنها برای بسته نگهداشتن دهن وی براه انداخته شده است. فقیریار در غرب کابل در یک خانه سه طبقه ای زندگی میکند. وی در یکی از مصاحبه های اختصاصی اش با پژوهشگر روزنامه آمریکایی نیویارکر میگوید: "من چیزهای زیادی برای گفتن دارم ولی اجازه دهن باز کردن ندارم. این دولت کاملاً مفسد شده است و توسط گروه کوچکی که بسیار قدرتمند هستند اداره می شود. آن ها مداخله گران در امورشان را دوست ندارند، و نمی خواهند کسی در کارشان مداخلت کند. این افراد بسیار شیطان صفت اند. حرف زدن در مقابل شان بی فایده است. زمانی که من تصمیم به مبارزه با فساد گرفتم، می دانستم که با مشکلات جدی، حتی تهدیدات جانی نیز مواجه خواهم شد. نه تنها من، بلکه هر میهن پرست افغان که در تلاش مبارزه با فساد بوده است تحت بدترین موارد فشار قرار میگیرد و از کار و وظیفه اش اخراج شده و به اتهامی متهم شده، تحت پیگرد قانون خود ساخته این فساد پیشه گان میگردد.

شما نمی توانید یک نفر را که صادقانه با فساد مبارزه کند را بیابید که بر وظیفه خود باقی بماند." فقیریار زمانی تحت فشار قرار گرفت و از پستش کنار زده شد که وی خواستار محاکمه محمد ضیاء صالحی، مشاور ریاست جمهوری که در یک ضبط مکالمه خواستار رشوه - یک عراده توپوتا، برای فرزند خود - شده بود، شده بود. این رشوه در ازای متوقف ساختن تفتیش صرافی نیو انصاری، شرکت حواله جات که بدون حفظ هیچگونه مدرک یا سند الکترونیکی پول را به خارج و داخل انتقال میدهند، خواسته شده بود. در اوایل سال گذشته، مقامات آمریکایی همتایان افغانی خود را تشویق به پیدا کردن یک مورد آزمون و نمونه ای برای حامد کرزی نمودند: یک مقام ارشد قدرتمند که در ادعانامه خود می آورد که رئیس جمهوری بالآخر در تصفیه دولت خود تا حدی جدی شده بود. هنگامی که محققان افغانی به دفاتر صرافی نیو انصاری، در جنوری سال 2010 میلادی یورش بردند، آنها به صورت حساب های مالی زیادی دست یافتند که بازگویی بسیاری از داستان های مدرن افغانستان بود. شرکت صرافی نیو انصاری پول های مقامات دولتی، رهبران طالبان، و بازرگانان مواد مخدر را انتقال میداد. پیکهای این شرکت صرافی میلیون ها دالر پول نقد را از طریق فرودگاه بین المللی کابل به خارج و بالخصوص دبی می دادند، که بنابر گزارش محققان در سال 2009 میلادی بالغ بر 2.9 میلیارد دالر از طریق این صرافی به خارج انتقال داده شد. چیز تازه و جالب این بود که بعداً ظاهر گردید که شرکت صرافی نیو انصاری با یکی از بانک ها افغانستان بنام افغان یونایتد بانک (که معاون رئیس آن شخصی بنام حاجی رفیع عظیمی می باشد) روابط تنگاتنگ و نزدیکی داشت. یک محقق آمریکایی با بررسی اسنادهای این شرکت گفت: "این یک معدن طلاست." شرکت نیو انصاری از هرگونه اعمال تخطی آمیز انکار کرد. محققان افغانی و آمریکایی شش سی دی از ضبط مکالمات مخفیانه را بدست آورده اند.

در یکی از این بحث های قاطع عظیمی برای جلوگیری از تفتیش شرکت صرافی نیو انصاری به صالحی التماس می کند، و صالحی خواستار توپوتا می شود. در مصاحبه اش با روزنامه های آمریکایی بعد از تفتیش شرکت نیو صرافی عظیمی از هرگونه ارتباطش با این شرکت و مکالمه اش با

صالحی جداً انکار کرد. صالحی، مانند خیلی از کسانی که مناصب بالایی را در دولت کرزی احراز کرده اند، به نظر می رسد هیچ آیدئولوژی دیگری بجز از زنده ماندن خود ندارد. در طول جنگ های داخلی افغانستان، او به عنوان مترجم روسی برای عبدالرشید دوستم خدمت کرده است. در دولت آقای کرزی، او گاهی وظیفه خریداری منافع سیاسی بعضی ها را برای دولت کرزی داشت و همچنان یکی از افراد دخیل در تلاش رئیس جمهور برای مذاکره با طالبان نیز بوده است. یک مقام آمریکایی گفت که صالحی همچنان مخبر پرداختی سازمان اطلاعات مرکزی (سی آی ای - سیا - سازمان استخباراتی ایالات متحده) نیز بوده است.

صالحی خودش هرگز درین مورد این همه اتهامات و اطلاعات ابراز نظر نکرده است. پس از آن که مقامات آمریکایی بعضی ازین ضبط های مکالمات را برای یکی از مشاوران آقای کرزی اجرا کردند، کرزی امر دستگیری صالحی را صادر کرد. در اواخر ماه جولای، الکو، دادستان کل (لوی سارنوال) امر اجراءات را نیز صادر کرد. به گفته یکی از مقامات غربی با آگاهی از این تحقیقات، صالحی از سلول زندان در تماس تلفنی به کرزی گفت: "اگر من فقط یک شب را در زندان سپری کنم، من همه چیز را تمام خواهم کرد." صالحی در همان روز آزاد شد و کرزی خودش موتوری را از قصر برایش فرستاد. کرزی علناً در مورد تاکتیک های سنگین محققان آمریکایی شکایت کرد و پرونده علیه صالحی براساس قوانین افغانستان که شواهد ضبط مکالمه در موارد فساد را رد میکند، بسته شد.

ولی وکلای مدافع افغانی می گویند که شواهد چون ضبط مکالمه به طور منظم در چنین مواردی استفاده می شوند. وقتی پرونده صالحی بسته شد، هیچ کس در سفارت ایالات متحده در کابل، و یا در واشنگتن علناً چیزی نگفت و همچنان زمانیکه فقیریار از کار اخراج شد، نیز سفارت آمریکا در کابل خاموش بود. در ماه جنوری 2011، الکو اعلام کرد که دادستانی کل اتهامات نابسامانی ها در کابل بانک را تحقیق خواهد کرد. اما بعد از کنار زدن و بعدا دستگیری صالحی بسیاری از روند ضد فساد در داخل دولت افغانستان شده از میان برداشته شده اند. اول، کرزی و الکو مانع تیم وکلای آمریکایی و بریتانیایی از نظارت وکلای دادگستری افغانی شدند و سپس خواستار مذاکره مجدد برای آنچه که آنها اجازه انجام دادند دارند شدند. دو وکیل دادگستری ارشد که پرونده صالحی را پیگیری و نظارت میکردند تنزیل رتبه شدند.

به گفته یک مقام غربی، دادستان کل آغای الکو وکلای دادگستری برضد فساد را از کار با قوه کاری جنایات بزرگ، گروه دیگری از محققان افغان که شواهد ممنوع از فساد در دولت کرزی را کشف کرده اند، منع نموده است. به گفته یک مقام سابق افغانستان و مقام رسمی آمریکایی، رئیس گروه قوه کاری جرایم بزرگ، آقای نظر محمد نیکزاد، قصد ترک افغانستان به ایالات متحده را دارند. الکو همچنان قانونی را در دادستانی کل به اجراء گذاشته که وکلای دادگستری مجوز های چند لایه ای را باید جهت انجام جستجو و تحقیقات، تحقیقات باز و وسیع، و آمادگی برای اعلام جرایم بدست آرند که درصدر همه مجوزات باید خودش قرار داشته باشد. تا هنوز هیچ عضو ارشدی از دولت و اطرافیان مفسد کرزی بازداشت نشده اند، و در ضمن بسیاری از تحقیقات نیز متوقف شده اند. یکی از وکلای دادگستری دادستانی کل در مصاحبه سری با یکی از خبرنگاران روزنامه نیویارکر شش مورد که در آن الکو دادستان کل کشور، که پنداشته می شود از دستورات رئیس جمهور کرزی پیروی می کند، از تحقیقات به طور مشکوکی ممانعت نموده است.

در میان این تحقیقاتیکه ممانعت شده اند، پرونده آغای عظیمی، مدیر اجرایی بانک که برای خریداری یک موتر برای آغای صالحی متهم است، و غلام غوث ابوبکر والی سابق ولایت کاپیسا، که به تباری با طالبان و اخاذی از پیمانکاران متهم است نیز وجود داشتند. همه این افراد این اتهامات علیه خودشان را تکذیب کرده اند. این وکیل دادگستری ضد فساد که ازین پرونده ها آگاهی داشت یاد آوری میکند که آغای الکو برایش گفت: "این پرونده ها را کنار بگذار. با اینها کاری نداشته باش. یادت باشه که این مرد، فرد مورد پسند کرزی هست." یک افسر ارشد ناتو نیز حرفهای این وکیل دادگستری را در رابطه با جریانات در داخل دفتر دادستانی کل را تأیید میکند و در ضمن دوسیه دیگری را نیز یادآور میشود؛

دوسیه علی شاه پکتیاوال، فرماندار (قوماندان) امنیه ولایت ننگرهار. پکتیاوال در زمانیکه درین پست بود، به داشتن یک گروه آدم ربایی متهم شده بود. ولی او تا هنوز درین رابطه هیچ پاسخی نداده است.

- \* - \* - \* - مردی که اسرار کابل بانک را نگه داشته، رئیس اسبق پر شان و شوکت آن شیرخان فرنود می باشد. زمانی که افغانستان در دهه نوزده نود در آتش جنگ های داخلی می سوخت، فرنود شرکت حواله پولی را به نام صرافی شاهین تاسیس کرد که بعداً آن را قبل از تاسیس کابل بانک و استخدام خلیل الله فروزی بحیث رئیس عامل صرافی را به دبی انتقال داد.

این روزها فرنود چیزی را علنی اظهار نمی دارد. گذرنامه او لغو شده است و چندی قبل هم از سوی دادستانی کل کشور همراه با رئیس عاملش فروزی بازداشت شدند. او تا زمان بازداشتش از سوی دادستانی کل کشور در یک مهمانخانه در مجاورت دفتر مرکز کابل بانک در مرکز شهر کابل (شهر نو) زندگی می کرد. او بارها به رسانه ها و خبرنگارانی که می خواستند با او مصاحبه نمایند گفته بود که اگر من یک کلمه چیزی بگویم، رئیس جمهور مرا مستقیماً به زندان پل چرخی ارسال خواهد کرد. محمود کرزی، یکی دیگری از مظنون بحران کابل بانک برعکس همیشه حاضر به مصاحبه بوده است و بارها در رسانه ها کشور نیز ظاهر شده است. او در یک خانه دو طبقه ای در کارته چهار در غرب کابل که یکی از محله های گران شهر کابل هست، زندگی می کند. مانند سایر نخبگان افغان های دخیل در دولت، محمود نیز به طور مداوم به دبی سفر دارد. او ویلای فرنود را ترک کرده است و به ویلای چند میلیون دالری خودش در پالم الجمیرا رفته است. به گفته یکی از مقامات غربی، "این کلید درک رهبران افغانستان هست. اگر شما مایل به قرار دادن شخص خودتان در خطرات، گیرودارها و کتافات در کابل باشید، می توانید مانند یک شاه در دبی زندگی کنید". آقای محمود کرزی در مصاحبه ای با خبرنگار روزنامه نیویارکر آقای دکستر فالکینز داستان کابل بانک را چنین بیان میدارد: "در سال 2007 میلادی، حدود هفت و نیم درصد از سهام بانک و مبلغ شش میلیون دالر برای خریداری این سهم به من پیشنهاد شد. فرنود این مبلغ را به من قرضه داد. من فکر میکردم که دست اندرکاران کابل بانک نیازمند فراسات تجارتهی من شده اند. این هیچ ربطی به سیاست نداشت که بعداً صدمات زیادی به بانک وارد نمود. من احساس میکردم که میتوانم کمک کنم. آنها از من خواسته بودند و ما میتوانستیم یکجا کار کنیم". ولی در حقیقت مقامات کابل بانک افغان های مانند محمود کرزی و حاجی حصین فهیم (سهامدار کابل بانک و برادر معاون رئیس جمهور مارشال محمد قسیم فهیم) را برای نزدیک شدن به قدرت در بانک سهیم ساخته بودند. چرا کابل بانک افرادی مانند محمود کرزی و حصین فهیم را به عنوان سهامداران کابل بانک جلب نمود؟ این سوالیست که یگانه پاسخ آن این میتوان باشد که آنها بدین ترتیب بتوانند حمایت سیاسی برای اعمال غیر قانونی خود بدست آورند. محمود کرزی همیشه فرنود را دیکتاتور می خواند، و بارها گفته است که هیچ یک از سهامداران کابل بانک در مقابل وی در رابطه با قرضه ها و سرمایه گذاری حق مداخلت نداشتند. محمود گفت:

"این اشتباه مدیریت بانک بود، زیرا کارهای غیر قانونی را به تنهایی در حالی که از سایر سهامداران بانک پنهان نگهداشته می شد انجام می دادند. هیچ جلسه سهامداران این بانک دایر نمی شد و هر زمانی که ما از فرنود می خواستیم وی طفره میرفت. ما تا اخیر هرگز ندانستیم که بانک در مشکل بزرگی قرار گرفته. رابطه من با بانک به سختی ارزش این همه را با در نظر داشت مشکلاتی که برایم ایجاد کرده را داشت." محمود با سه میلیون دالر وام اضافی از بانک، در سال 2007 شرکت افغان سیمینت را تاسیس کرد. او گفت که او در حال حاضر اصل مبلغ قرضه را پرداخته است، ولی از پرداختن تکتانه های گزاف آن اجتناب میورزد. این داستان می تواند خود ساخته باشد، اما داستان وی با داستان حصین فهیم و خلیل فروزی رئیس عامل اسبق بانک تقریباً یکسان می باشد. هر سه این افراد هم اکنون فرنود را سبب ورشکستگی و مشکلات بانک می نامند

با این حال، داستان محمود نیز پر از تناقضات می باشد. هر چند او از زندگی در ویلاهای دبی لذت می برد، ولی بگفته خودش فرنود را در برابر خرید جایادهای لوکس در دبی هشدار میداد، چرا که بازار



آن رو به سقوط بود. اگرچه درحالی که او اصرار می دارد که او تا اخیر از کارهای فرنود در کابل بانک خبر نبود، ولی بگفته خودش او بارها سعی داشته تا آمریکایی ها و بانک مرکزی را در رابطه با فعالیت های نادرست رؤسای بانک هشدار. وی به محققان آمریکایی در سفارت آمریکا در کابل گفت: "من به آنها گفتم چیزهای درین بانک جریان دارد. کارهای که درست بنظر نمی آیند. آنها - رؤسای بانک - آنها پول میگیرند ولی کار درستی را انجام نمیدهند. مشکل دیگر این است که مقامات آمریکایی می گویند که کابل بانک به نظر می رسد یک عدد وامهای را به نزدیکان محمود چون محافظان و یا کارگران وی داده است. مقامات گمان می برند که در واقع این پولها مستقیماً به محمود رفته است. ولی محمود این همه را تکذیب میکند. و میگوید: "من نگران نیستم، من در مورد این همه چیز هرگز نگران نیستم. تنها چیزی که من نگران آن هستم اینست که من چقدر پول باید بپردازم. من چقدر پول باید به وکلای دادگستری و تصفیه خود بپردازم. اما من؟ من خودم را می شناسم. من کاملاً پاک هستم."

- \* - \* - \* - سوال بزرگتر سیاسی البته این نیست که محمود چقدر می دانست، اما اینست که حامد کرزی رئیس جمهوری چقدر می دانستند و او چه کرد یا چه نکرد و وی چگونه ازین سود برده است. برای پاسخ به این سوالات فیروزی رئیس عامل سابق کابل بانک پاسخ می گوید. بگفته وی، کابل بانک چهار میلیون دالر را به مبارزات انتخاباتی کرزی به مصرف رسانده است. این بدین معنیست که آن دو صد هزار دالری که در کیف شرح داده شده توسط آقای زاخیلوال فقط آغاز این سخاوت ها بوده است. همان طور که مانند سایر کارهای دیگر در افغانستان، ثبت رسمی اعداد و ارقام تقریباً بی ارزش است. سوابق ثبت شده توسط کمپانیهای مبارزات انتخاباتی کرزی نشان می دهد که آن ها در حدود دو میلیون دالر را برای کمپاین جمع آوری و به مصرف رسانده اند. یک عضو برجسته دولت افغانستان در زمان انتخابات این رقم را میان بیست و پنج تا سی میلیون دالر میپندارد. با توجه به سخنان و باورهای برخی از اعضای فعلی و سابق دولت افغانستان، کابل بانک و انتخاب مجدد حامد کرزی در سال 2009 تقریباً پاپیای بودند. افغان هایی که در خدمت دولت آقای کرزی بودند می گویند که سهم مصارف این بانک در مبارزات انتخاباتی بین هفت و چهارده میلیون دالر میباشد. کرزی در نهایت برنده انتخابات شد و لو که نظارت ها نشان داد در حدود یک میلیون رای تقلب شده بود. حتی پس از انتخابات نیز کابل بانک همچو مصارف را ادامه میدهد. در ماه جموری سال 2010، قانونگذاران در پارلمان افغانستان هفده نفر از 24 وزیر پیشنهادی کرزی برای کابینه خود را رد کردند. نمایندگان مجلس شکایت کردند که اکثر این وزیرهای پیشنهادی آدم های خودفروخته می باشند. فوزیه کوفی یکی از نمایندگان مجلس در آن زمان به اسوشیتد پرس گفت: "من فکر می کنم، متأسفانه، که معیارهای انتخابی یا قومیت بوده و یا هم رشوه و پول." دو هفته پس از آن، کرزی فهرستی از هفده نامزد جدید با برخی از چهره های قبلی را به مجلس فرستاد. این بار مجلس هفت تن را تأیید و ده را رد کردند. کرزی پس از آن نامزدان دیگری را به پارلمان ارائه نکرد. او صرفاً برخی از نامزدهای رد شده را به عنوان سرپرستان تعیین کرد. مقامات فعلی و سابق افغانستان میگویند که آن عده نمایندگان مجلس که مظنون به مخالفت با نامزد وزیران کرزی بودند، توسط مردمانی در کابل بانک برای تغییر رای و حمایت از نامزد وزیران رشوه پرداخته شده اند. بگفته یکی ازین مقامات، آنها نمایندگان را به مهمانخانه بانک - جائیکه فرنود تاکنون زندگی میکرد - میبردند و در آنجا بدین نمایندگان پولهای گزافی داده میشد. حصین فهیم، فیروزی، و محمود کرزی هر سه می گویند که آنها در مورد هر گونه پرداختی به اعضای پارلمان افغانستان و یا به هر مقام دیگر افغانی چیزی نمی دانند. سایر افغانها می گویند که رئیس جمهور کرزی از مشکلات بانک مدتها قبل از وقوع آن هشدار داده شده بود ولی وی هیچ اقدامی درین رابطه نکرد. در ماه های قبل از علنی شدن مشکلات بانک، یکی از سهامداران بانک به رسانه های غربی گفت که رئیس جمهور کرزی بارها و بارها به محمود برادرش التماس کرد که " به فرنود بگو پولها را دوباره به افغانستان بیاورد." در مصاحبه اش با روزنامه نیویارکر آمریکایی، محمود اذعان کرد که حامد کرزی به او در ماه جنوری در مورد مشکلات این بانک شکایت کرده بود،

اما ادعا کرد که رئیس جمهور از او برای انجام هیچ کاری خواست نکرد. "او فقط در مورد آن ناراحت بود، چون نمی دانست که این کار را کی انجام میدهد." دفتر رییس جمهور کرزی برای ابراز نظر در مورد کابل بانک و مسئله گسترده تر از فساد هیچ نظری ارائه نکردند. در ماه مارچ سال گذشته، درست قبل از برملا شدن مشکلات کابل بانک، کرزی یک هشدار تند و تیزی را دریافت. امرالله صالح، رئیس (سابق) امنیت ملی به کرزی گفت که بانک در آستانه سقوط می باشد. کرزی عبدالقدیر فطرت، رئیس (سابق) بانک مرکزی را به کاخ فرا خواند. فطرت رئیس جمهور را در رابطه با منابع مالی این بانک مطمئن ساخت. در واقع، آن ها (بانک مرکزی) نیز از سوی یک نهاد حسابرسی مستقل A. F. Ferfuson وابسته به نهاد بزرگتر PricewaterhouseCoopers تنها چند ماه قبل اطمینان داده شده بودند و به صالح گفته شد، برو به تعقیب انتحاری ها، نه به تعقیب دزدیها در بانکها. در رابطه با محمود کرزی، او منتظر نتایج بازرسی های تحقیقات امور مالی خودش از سوی آمریکایی ها می باشد و زمانی که ازش در مورد فرنود پرسیده شد، گفت: "من امیدوارم او بقیه عمر خود را در زندان سپری کند. او احمق همه را از بین برد." در رابطه با خلیل الله فیروزی باید یادآور شد که در انتصاب وی منحیث رئیس هیئت عامل کابل بانک، عبدالقدیر فطرت رئیس (مستعفی) بانک مرکزی کاملاً مخالف بود ولی بنابر فشارهای از جانب مافیای که وی یکی از سردمداران آن بود، فطرت را مجبور به تأیید وی منحیث رئیس هیئت عامل بانک برای یک مدت موقتی شش ماهه نمود. عبدالقدیر فطرت بعدها در ضمن افشاگری هایش بعد از کناره گیری از ریاست بانک مرکزی کشور نام های را افشاء کرد که در آن مارشال صاحب قسیم فهیم نیز به نظر می خورد که بر وی فشار آورده و وی را تهدید نموده تا فروزی را منحیث رئیس عامل کابل بانک تأیید نماید.

## فهرست غارتگران کابل بانک

همه چیز از نظر آن ها در حال «افغانیزه شدن» بود. مجامع غربی در پی ورشکست شدن کابل بانک، احساس می کردند که اعتبار بازار آزاد ضربه پذیر شده است. تقسیم کننده گان هزینه های کابل بانک یک نمایش میان تهی تبلیغاتی به راه انداختند که بدهی های کابل بانک را در چهارچوب کار یک «دادگاه ویژه» حاصل کنند. رسوایی به حدی عمیق بود که هیچ کسی فریب صحنه سازی ها را نمی خورد. دولت هرگز نمی توانست و اراده نداشت که با خود تصفیه حساب کند. تصفیه کابل بانک در واقع با خودکشی اقتصادی شخصی تیم حاکم برابر بود. استرداد مبالغ برداشت شده از سرمایه کابل بانک به چند دلیل ممکن نیست: یک: بده گیران به طور کامل به مارشال فهیم و رئیس جمهور کرزی رابطه دارند و جزء تیم آنان هستند.

دو: تصفیه حساب کابل بانک معادل سقوط حکومت می شود. سه: شخص کرزی و فهیم خان از رقم و نحوه استفاده از هزینه های کابل بانک در جریان بودند و در آن زمان می دانستند که تحقیقات جامعه بین المللی درین قضیه دقیقاً خود شان را هدف گرفته بود. چهار: این عده، عناصر اساسی کمپاین انتخاباتی کرزی (جمع فهیم و خلیلی) بودند و میلیون ها دالر خرج کرده و تعهدات سری هم با مثلث قدرت داشتند. پنج: تمام سرمایه های قیچی شده از حساب کابل بانک در تجارت شخصی تیم رئیس جمهور و معاون ایشان به کار گرفته شده و در طول هفت هشت سال اخیر، سود ناشی از گردش این سرمایه ها سرسام آور است و اگر تصفیه ای صورت گیرد، پرداخت کامل بدهی های کابل بانک همراه با سود حاصل از آن، بنیاد سرمایه گزاری تیم کابل بانک را به صفر ضرب می زند.

برای درک این نکته اساسی که همه گیرنده گان بدهی از کابل، درتیم قدرت به طور رسمی یا خانواده گی یا گروهی یا قومی شریک هستند، می توانید سری به فهرست زیر بزنید.

**بدهکاران کابل بانک**

1. شیرخان فرنود - 279 میلیون دالر
2. حاجی عبد الحصین فهیم - 404 میلیون دالر
3. محمود کرزی - 16 میلیون دالر
4. حاجی محمد ظاهر ظاهر - 16 میلیون دالر
5. غلام داوود نصیب - 9 میلیون دالر
6. صوفی نثار احمد - 14 میلیون دالر
7. شکرالله شکران - 2 میلیون دالر
8. حاجی خلیل الله فیروزی بدهکار از رهگذر ساختمان های شهرک استقلال - 22 میلیون دالر
9. حاجی خلیل الله فیروزی بدهکار از رهگذر (ویلا D8 و 9 - C29) میلیون دالر
10. حاجی خلیل الله فیروزی بدهکار از رهگذر حساب شاهین - 5 میلیون دالر
11. حیات الله نعمت الله - 1 میلیون دالر
12. گاز گروپ - (وابسته به فهیم قسیم) 121 میلیون دالر
13. تأسیسات نفتی حیرتان - 30 میلیون دالر
14. کابل نفت - 21 میلیون دالر
15. شرکت هوایی پامیر - 98 میلیون دالر
16. عبد الغفار داوی - 37 میلیون دالر
17. گلپهار حبیبی - 30 میلیون دالر
18. حاجب محمد ابراهیم هیوادوال - 6 میلیون دالر
19. کاکا جان اختر گل هاک جان محمد طاهرو سلطنت - 6 میلیون دالر
20. مشتریان عادی - 11 میلیون دالر
21. مشتریان شاهین - 22 میلیون دالر
22. گلپهار تاورز - 20 میلیون دالر.

## فهرست 19 کارمند خاین «کابل بانک»

این 19 تن، مسئولان و کارکنان بخش های کابل بانک بوده اند در نقش کارگزاران مقامات بلند پایه ی حکومتی و زورمندان خاندانی با آن ها دهان جوال گرفته بودند.

بر اساس گزارش پژواک

- ۱- راجا گوپال آمر تفتیش کابل بانک
- ۲- رام چندران آمر اسبق کمیته قرضه کابل بانک
- ۳- محمد افضل عضو هیئت نظارت کابل بانک
- ۴- محمد طارق میران آمر آی تی کابل بانک
- ۵- کمال ناصر کرور مسوول بخش سراسری کابل بانک
- ۶- محبوب شاه فروتن کارمند پیشین بخش پیروی از قانون کابل بانک
- ۷- امین الله خیراندیش مسوول بخش روابط دولتی کابل بانک

- ۸- عبدالصیر فروغ امر اسبق عملیاتی
- ۹- امان الله حمید رییس شرکت هوایی پامیر و عضو هیئت مدیره کابل بانک
- ۱۰- عبدالقدیر فطرت رییس بانک مرکزی
- ۱۱- محب الله صافی معاون اول بانک مرکزی
- ۱۲- مصطفی مسعودی امر مرکز تحلیل معاملات و راپورهای کابل بانک
- ۱۳- مسعود خان موسی غازی رییس کابل بانک نو
- ۱۴- ظفر الله فقیری سرگروپ تیم نظارت بانک مرکزی
- ۱۵- شیرآقا حلیم سرگروپ تیم نظارت بانک مرکزی
- ۱۶- محمد قسیم رحیمی امر عمومی نظارت مالی
- ۱۷- بسم الله عضو نظارت بانک مرکزی
- ۱۸- محمد عارف سالک عضو نظارت بانک مرکزی
- ۱۹- عصمت الله کارمند اسبق کابل بانک

ترجمهٔ ابتهاج عبیدی

--

سردبیر دانشنامه اقتصاد و مدیریت

[www.daneshnamah.com](http://www.daneshnamah.com)

[www.daneshnamah.net](http://www.daneshnamah.net)

[ib.daneshnamah.com/en](http://ib.daneshnamah.com/en)

[blog.daneshnamah.net](http://blog.daneshnamah.net)

[news.daneshnamah.net](http://news.daneshnamah.net)

0093789490195